

پیشگفتار

بنا به گواه تاریخ نوشتاری و گفتاری بشر و دیگر یادگارها و ماندگارهای فرهنگی و تمدنی مشترک جهانیان، دنیادید فرد تابع ابعاد مشخص معنوی و مادی جامعه‌ی مادر است. تصویری که از جهان هستی ذهن انسان را در کام اندیشه و اعتقاد برده است در تمام موارد، در عمل، در باور، در رفتار و بینش اجتماعی و زندگی فردی و دیگر فعل و انفعالات و کنش و واکنش‌های فرد تأثیر مستقیم دارد.

به قدمت عمر انسان تلاش و مبارزه برای فراهم آوردن شرایط زندگی بهتر وجود داشته است. با وجود آنکه سطح درک و شناخت در جوامع قدیمی به علت محدودیت‌ها، که همسرخ فرایافت تاریخی مشخصی هستند، مانع تعریف روشن و جامع از اصول حقوق بشر شده است، اذهان و درک عمومی با ملاک‌های ابتدایی عدالت و رعایت حریم حیثیت انسان‌ها آشنا بوده‌اند و طریقه‌ی ممارست مرزهای اختیاری و صلاحیتی نظام را با وسوسه‌ی زندگی و خرد خود مورد سنجش و داوری قرار داده‌اند. انسان‌ها در طول هزاره‌های متمادی در تلاش برای بدست آوردن حقوق برابر بوده‌اند. علیرغم اینکه حقوق پایه‌ای انسان‌ها در اعلامیه جهانی حقوق بشر تعریف و مشخص شده و اکثر کشورها آنها را به رسمیت شناخته و متعهد به اجرای مفاد آن شده‌اند. کم نیستند انسان‌ها و جوامعی که از همان حقوق پایه‌ای به طور سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده توسط حکومت‌ها محروم می‌گردند. جامعه یارسان یکی از آن جوامعی است که حقوق آنها در ابعاد گسترده از دیر باز تا کنون نقض شده و مورد تعرض قرار گرفته است.

تاریخ سیاسی و اجتماعی بشر پُر از فرمانروایانی است که هرکدام با نام و لقبی جایگاهی را برای خود بدست آورده‌اند، یا اینکه خود تاریخ عنوانی را برای آنان شایسته دانسته است. اذهان و داوری عمومی مشترک، شهریاری را بیدادگر و شهریاری دیگر را دادگر شناخته است. با وجود آنکه حق عملکرد سیاسی از مردم، از طرف نیروهای مستبد و ظالم سلب و حقوق آنها نقض شده است، اما مبارزه برای استقرار نظامی عادل که بتواند حقوق فردی و اجتماعی آحاد و اجتماعات را محترم بشمارد و به ارزش‌های برابری، عدالت اجتماعی و اقتصادی و به آزادی‌های فردی و اجتماعی تطور و بسط دهد، در اکناف و اطراف جهان هنوز ادامه دارد. مردم یارسان از این قبیل اجتماعات هستند که برای تحصیل و تحقق اهداف انسان‌محور به طرق مسالمت آمیز از دیر باز تا کنون مبارزه می‌کنند.

در غیاب حاکمیت مردمی، بنیادی ترین حقوق و آزادی‌های انسانی شهروندان در جامعه، محدود، نقض و یا بطور کلی پایمال می‌گردد. تداوم چنین وضعیتی نارضایتی فردی و گروهی را به دنبال داشته و سبب بی‌ثباتی اجتماعی و

سیاسی در جامعه می‌گردد. در جوامعی که اصل عدم تبعیض و اصل تساوی حقوق انسان‌ها نادیده گرفته می‌شود، اساس همزیستی مسالمت آمیز در روابط انسان‌ها به چالش کشیده می‌شود.

یارسان و هویت ملی

مردم یارسان پیروان دین یاری، یکی از پایدارترین و اصیل ترین جوامع هستند که به خاطر دفاع از هویت، زبان و فرهنگ خود همواره از ستم اتنیکی و ستم مضاعف دینی رنج برده‌اند. از آنجا که پروسه شکل‌گیری فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی و انسانی جوامع بشری، تحت تاثیر زبان، افکار، فلسفه‌های علمی و آیینی تکوین و تحول یافته است، جامعه یارسان نیز به واسطه دیدگاه‌ها، باورها و اندیشه‌های فلسفی منحصر به خود و تحت تاثیر دین یاری به ویژگی‌های فرهنگی، ارزش‌های انسانی و اجتماعی مختص به خود دست یافته است. مردم یارسان در کنار اعیاد دینی خود، نوروز را بعنوان یک روز ملی جشن می‌گیرند.

از مطالعه آثار و ادبیات کتبی و شفاهی یارسانی و همچنین باورها و رفتارهای آنان چنین استنباط می‌شود که بیشتر سنت‌ها و مرسومات مرتبط با جامعه یارسان از دیرباز در میان کردها و دیگر ملت‌ها و قومیت‌های ساکن در فلات ایران به ویژه در جوامع زاگرس نشین، رایج بوده‌اند.

جامعه‌ی یارسان از پیشقراولان و حاملین مشعل آزادیخواهی و سمت دهندگان مبارزات آزادیخواهانه، عدالت و هویت طلبانه با پشتوانه ارزشهای ملی و بومی در سرزمین ایران می‌باشد. جامعه‌ی یارسان بعد از فروپاشی امپراتوری ساسانی و تثبیت قدرت سیاسی اعراب در سرزمین اجدادی‌شان، همدوش دیگر نیروهای اجتماعی در ایران در قرن دوم هجری دوران سکوت و خلوت و خلاء را شکستند و همدوش دیگر نیروهای اجتماعی در ایران وارد مبارزه علیه بیدادگری بدنبال فتوحات اسلامی در سرزمینهای اشغالی به پا خاستند.

بنا به آثار یارسانی، متعاقب استیلای اعراب بر مناطق محل زیست یارسانیان، نهضت‌های متعددی در دوران‌های مختلف در جهت حفظ و بازسازی هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی ماقبل اسلام از یکسو و مقاومت در برابر تهاجم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اشغالگران از سوی دیگر، در فواصل زمانی گوناگون شکل گرفته که می‌توان از برجسته‌ترین آنها به نهضت‌های بهلولیل مادی (ماهی)، شاه خوشین لرستانی، بابا سرهنگ دودانی، بابا جلیل و بابا ناووس جاف اشاره کرد. تداوم این نهضت‌ها سرانجام به دوره‌ی سلطان سهاک برزنجی و ظهور و علنی شدن دین یاری می‌انجامد. در این دوره قراردادی تحت عنوان "بیابس پردیوری" یا "بیا و بست پردیوری" منعقد می‌شود ("پردیور" نام محلی در هورامان / اورامانات-هورامانات/ کردستان ایران است). در این قرار داد اصول اعتقادی آیین یاری، آرمان‌ها، اهداف و شیوه رهبری جامعه از طریق نظام شورایی "پیر و پادشاهی" مشخص می‌شوند. مبارزه و مقاومت در جهت حفظ هویت فرهنگی و دینی بر اساس شالوده‌ای از باورهای کهن پیش از اسلام رایج در میان گردان سازماندهی می‌شود. رنسانس فکری در جهت اصلاح اخلاقی انسان و جامعه و ترفیع مقام و جایگاه انسان و

بیرون رفت از انحطاط ارزشی بر اساس چهار اصل اخلاقی "راستی، پاکی، نیستی و ردا" شکل می‌گیرد. برابری و عدالت اجتماعی و رسیدن به نوعی از سیادت و خودگردانی محلی در حین عشق و وفاداری به حفظ و حراست از فرهنگ و تمدن زاگرس و اسطوره‌ای ماد میترائی در دستور کار قرار می‌گیرد.

تداوم نظام پیرو پادشاهی و ادامه رسالت تعریف شده در پیمان پردیوری از طریق تشکیل "جم"های (جمع، شورا) و خاندان‌های یاری میسر و عملی می‌گردد، که تاکنون نیز به قوت خود باقی مانده است.

دوره سید حیدر ملقب به سید براکه گوران در اوایل قرن نوزدهم میلادی جلوه دیگری از تداوم نهضت یاری است. این دوره از تلاش یارسانیان برای کسب شناخت واقعی از مبانی فکری، دینی، فرهنگی و تاریخی خود و همچنین گردآوری آثار و ادبیات یارسانی از اهمیت محوری برخوردار است.

جامعه یارسان امروزی، وارث اعتقاد یاری، پیمان پردیوری با ارزشها، آرمانها و رسالتهای آن است. رسالتهایی که نه تحقق یافته‌اند و نه به فراموشی سپرده شده‌اند. ستمی که بر جامعه یارسان نیز روا دیده شده است تا حدود زیادی نیز ریشه در پایداری و مقاومت آنان در جهت حفظ همین میراثها بوده است.

وضعیت سیاسی اجتماعی جامعه یارسان در دوران جمهوری اسلامی ایران

جامعه یارسان یکی از جوامعی است که بی حقوقی را در تمامی عرصه‌ها و در ابعاد وسیع تجربه کرده و این جامعه در تاریخ موجودیت خود شاهد تداوم نبردی نابرابر در جهت حفظ موجودیت و ساختار هویتی خویش است. ستم دینی، مضاعف بر ستم اتنیک، نابرابری حقوقی و محرومیت از بهره‌گیری از امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، منجر به عدم رشد استعدادهای فردی و جمعی جامعه یارسان گردیده و سبب شده است که مناطق یارسان نشین جزو محرومترین نقاط ایران باقی بماند و قربانی سیاست آسیمیلیاسیون (حل و یکسان سازی) شود. تنگ نظری اجتماعی و ناآگاهی وسیع در سطح جامعه نیز همگام با این سیاست عمل نموده و در به انزوا کشاندن جامعه یارسان نقش خود را ایفا نموده است. انتشار اکاذیب و تعریفات جعلی از هویت یارسانها بطور دانسته و ندانسته، از جانب خودی و بیگانه سبب شده که همسایگان غیر یارسانی ما نسبت به آیین یاری دچار شک و تردید شوند و خود یارسانها نیز به نسبت اعتقادات و هویت خود دچار سردرگمی و چندگانگی باشند. پیروان آیین یاری با عناوینی همچون اهل حق، علی الهی، شیطانپرست مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

لازم به ذکر است که اکثر پیروان این دین در ایران زندگی میکنند. دین یاری در بین دیگر اتنیکها در ایران نیز دارای پیروان زیادی است. در کردستان عراق و در عراق از یارسانها تحت عنوان "کاکه‌بی" نام برده میشود.

انقلاب سال ۱۳۵۷ و تغییر در ساختار سیاسی و استقرار رژیم دینی در ایران، انواع تنشهای سیاسی و اجتماعی را به دنبال داشت. مبارزات آزادیخواهانه از یکطرف و اقتدارطلبی سیاسی مذهبی از طرف دیگر منجر به اعلام جنگی ناعادلانه علیه نیروهای آزادیخواه، اقلیتهای اثنیکی و دینی در سراسر ایران و بتبع آن علیه مردم یارسان گردید که این جنگ خود را در قاموس بمباران، کشتار مردم بی دفاع و محاصرهی اقتصادی و اعمال محرومیتهای اجتماعی نشان داد.

نظام حاکم کنونی در ایران بر اساس احکام شریعت اسلامی و ایدئولوژی مذهب شیعه و اصل ولایت فقیه استوار است. در این نظام مذهبی، یکی از پیش شرطهای برخورداری از حق شهروندی برابر، اعتقاد به مذهب حاکم و وفاداری به نظام ولایت فقیه است. در نتیجه مردم یارسان همراه با سایر اقشار جامعه که پیرو مذهب مورد نظر رژیم نیستند از حق شهروندی محروم و محکوم به تحمل اجحافات، بی حقوقی و تبعیضات فاحش غیر انسانی شده‌اند.

با وجود آنکه یاری تنها دین رایج و متداول در میان یارسانیان تحت ستم در نظام جمهوری اسلامی است، موجودیت آن انکار شده و پیروان این باور کهن نه تنها به رسمیت شناخته نشده‌اند، بلکه بر اساس بندهای ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق پایه‌ای و موجودیت جامعه یارسان نیز نفی شده، و تبلیغ این آیین تا حد ارتکاب به جرم و پیروی از آن نقض قوانین جمهوری اسلامی محسوب میشود. فرد یارسانی برای ادامه‌ی حیات و بدست آوردن حقوق اولیه‌ی انسانی خود مجبور به خودسانسوری و جعل هویت تاریخی میشود.

مردم یارسان در همان ابتدای به انحراف رفتن انقلاب ۵۷ و تبدیل شدن آن به یک حکومت دینی، نارضایتی خود را نسبت به این روند به شکلهای گوناگون نشان دادند. در همان اوایل پیروزی انقلاب و در ادامه سیاستهای تبعیض آمیز ضد بشری جمهوری اسلامی سرکوب بی رحمانه مردم یارسان شروع شد و رفتار بی رحمانه حکومت اسلامی منجر به فرار و آواره گی هزاران نفر از این مردم به کشورهای مجاور از جمله عراق شد.

مردم یارسان در راستای مبارزه حق طلبانه برای بدست آوردن حقوق اجتماعی خود در طول چهار دهه اخیر دست به تشکیل سازمانها و جنبشهای سیاسی که در زیر به آنها اشاره میشود زده‌اند.

تشکیل جنبش مقاومت جامعه اهل حق در اوایل دهه هشتاد میلادی

در ابتدای دهه‌ی هشتاد میلادی، بخشی از جامعه یارسان با تشکیل جنبش مقاومت جامعه‌ی اهل حق در مناطق کردستان عراق، مبارزات خود را بطور همزمان و در پیوند با جنبش ملی دمکراتیک مردمان ایران به پیش بردند، اما بدنبال تحولات سیاسی و نظامی و همچنین محدودیتهای فراوان در منطقه، این جنبش امکان تداوم نیافت و منحل گردید.

تأسیس دو سازمان یارسانی جنبش دموکراتیک یارسان و یاریکورد

در اوایل دهه‌ی هشتاد، و انتقال بخش زیادی از مردم یارسان به کشورهای پناهنده پذیرغری، امکان نوعی بازیابی و گرایش بسوی سازمان یابی مجدد فراهم گردید، و بدین ترتیب امکان ایجاد تشکلهای فرهنگی و سیاسی توسط اعضای برونمرزی این جامعه بوجود آمد.

زندگی در جوامع دموکرات به درک و آشنای جامعه‌ی یارسان از حقوق فردی و اجتماعی سرعت بخشید. گفتمان رایج تعدد فرهنگها در کشورهای اروپای امکان آشنای با کار سازمانی دقیق و فعالیت اجتماعی سالم مبنی بر نگرش پلورالیستی سیاسی و فرهنگی بخش برونمرزی را وادار به ایجاد تشکلهای فرهنگی، سیاسی، پناهندگی و مدنی کرد.

در تقابل با وضعیت موجود، اعضای جامعه‌ی برونمرزی یارسان، پس از بحث و بررسی های متعدد به این نتیجه رسیدند که مبارزه مسالمت آمیز، و طرح خواسته‌های عادلانه‌ی مردم یارسان در بستر موقعیت سیاسی حاضر، امری لازم و ضروری است و در نتیجه ایجاد یک تشکل سیاسی که بتواند بزبانی گویا این خواسته‌ها را بیان کرده و توان عمومی را در راستای رسیدن به آنها بسیج نماید، ضروری مینمود. نتیجه این ضرورت موجب تأسیس جنبش دموکراتیک یارسان در مارس ۲۰۰۷ و سازمان یاریکورد در سال ۲۰۱۰ شد.

معرفی سازمان دموکراتیک یارسان

جنبش دموکراتیک یارسان و یاریکورد با توجه به اهمیت اتحاد و همصدائی نیروهای سیاسی و اجتماعی و جذب هر چه بیشتر فعالین و نیروهای یارسانی برای نیل به اهداف خود زمینه برگزاری یک کنگره مشترک تحت عنوان "کنگره اتحاد یارسان" فراهم آوردند که در تاریخ در ۷ و ۸ آپریل ۲۰۱۲ میلادی منجر به تأسیس سازمان دموکراتیک یارسان شد.

سازمان دموکراتیک یارسان یک تشکل سیاسی، دموکراتیک و معتقد به پلورالیسم سیاسی است. جریانی است که خود را متعهد به رعایت از اعلامیه جهانی حقوق بشر، الحاقات و میثاقهای مربوطه میدانند و خواهان برقراری یک نظام سکولار و دموکراتیک در ایران بمنظور نیل به آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون و کسب حقوق مطرح در اعلامیه مذکور است.

سازمان دموکراتیک یارسان معتقد است که جامعه یارسان میبایستی همزمان که در جهت رفع ستم ملی و دینی بر خود میکوشند، در سطوح مختلف مبارزاتی دیگر نیز همگام با مبارزات عدالت طلبانه و آزادیخواهانه اقبشار اجتماعی

حرکت کند. این سازمان معتقد است آزادی زن یارسانی، بسته به آزادی زن در جامعه است. حقوق دموکراتیک و شهروندی برابر نیز باید در همین پیوستگی پیگیری و حصول شود.

برای تحقق و رسیدن به آرمانهای انسانی جامعه‌ی یارسان، این سازمان خود را متحد طبیعی جریان‌ات آزادیخواه، دمکرات و سکولار می‌داند.

سازمان دموکراتیک یارسان در مسیر مبارزه خود را متحد طبیعی جریان‌ات آزادیخواه، سکولار و دمکرات ایرانی می‌داند.

مبارزه‌ی سازمان دموکراتیک یارسان مسالمت آمیز و بر واقعیت و اعتقاد به پلورالیسم فرهنگی و سیاسی استوار است. غایت مبارزه سدی زندگی خوب و تأمین سعادت و امنیت برای آحاد، اجتماعات و افراد است. بعد دیگر مبارزه معطوف به احیای وجدان، بینش و ارزشهای فرهنگی و حضور تاریخی در پاسداری از سرمایه‌های بومی است.

اهداف و خواسته‌ها

الف: برنامه سیاسی

۱. رعایت و اجرای مفاد منشور حقوق بشر مصوب ۱۰ مارس ۱۹۴۸ سازمان ملل و الحاقات و میثاقهای مربوط به آن.

۲. تمرکز زدائی سیاسی از طریق سپردن اداره امور به ساکنین مناطق مربوطه از طریق رای گیری دموکراتیک. با الهام از تجربه موفق سیستم سیاسی- اداری کشورهای نوردیک (شمال اروپا) ، سازمان سیستم اداری سیاسی زیر را پیشنهاد می‌کند:

سه سطح اصلی اداره کشور :

دولت:

دولت شامل مجلس، حکومت و قوه قضائیه و اداره دولتی است و به عنوان نهاد حاکمیت ملی عمل می‌کند.

شهرداری‌های استان :

این سطح حکومتی ارگان‌های حاکمیتی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد.

شهرداری‌ها:

این سطح حکومتی به عنوان ارگان‌های حاکم محلی شناخته می‌شود.

دولت دارای مسئولیت اصلی در سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در تمام زمینه‌ها است، اما برخی از اختیارات به نهادهای حاکمیتی منطقه‌ای و محلی منتقل شده است. شهرداری‌ها مسئولیت رسیدگی به منافع شهروندان و انجام

وظایف نزدیک را دارند. این ایده از دموکراسی و خودمدیریتی محلی بر این اساس است که ساکنان هر شهرداری بهترین فهم از مسائل محلی را دارند و راه حل‌های موثرتری را می‌شناسند.

شهرداری‌ها مسئول خدمات محلی در حوزه‌هایی از جمله آموزش، بهداشت، مددکاری اجتماعی، حمل و نقل، وظایف فنی، فرهنگ و اوقات فراغت هستند.

شهرداری‌ها بر اساس مدل پارلمانی حکومت می‌کنند، به این صورت که شورای شهرداری از طرف مردم انتخاب می‌شوند. این شورا تحت رهبری یک شخص به عنوان "شهردار" قرار دارد و مسئولیت اداره کل، آماده‌سازی پرونده‌ها و اجرای تصمیمات شورای شهرداری را بر عهده دارد. این شهردار به حمایت اکثریت در شورای شهرداری وابسته است و در صورت از دست دادن این حمایت، همانند اصل بین مجلس/شورای ملی و حکومت، عزل و یا مجبور به استعفا می‌شود.

بین دولت و شهرداری‌ها، سطح حاکمیت منطقه‌ای یا همان شهرداری استانی را داریم. این سطح حکومت دارای ارگان‌هایی است که با شهرداری‌ها هماهنگ شده‌اند، با یک شورای شهرستان به عنوان نهاد انتخابی و یک شهردار شهرستان به عنوان مدیر اداری-سیاسی. کمیته شهرستان مشابه ریاست در شهرداری‌ها است.

۳. دخالت نمایندگان مردم که از طریق آراء مخفی و مستقیم انتخاب شده باشند، در مجالس قانونگذاری محلی و سراسری و دیگر مجامع و نهادهایی که در رابطه با حقوق شهروندی در طرح و تصویب قوانین دخیلند.

۴. نیروهای ارتش و انتظامی در قانون اساسی تعریف و برسمیت شناخته شوند.

۵. ممنوعیت ایجاد هرگونه نیرو شبه نظامی در کشور.

۶. حفظ استقلال حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران.

تبصره ۱. وظیفه ارتش دفاع از حق حاکمیت، استقلال کشور و مرزهای آن است. حق دخالت در امور سیاسی ندارد.

ب: برنامه اجتماعی

۱. برخورداری از حقوق شهروندی برابر، صرف نظر از تعلقات اعتقادی و هویتی بمنظور ایجاد امکان همزیستی مسالمت آمیز اقشار اجتماعی در کنار یکدیگر.

۲. جدایی دین از دولت و لغو دین رسمی در کشور. تلقی دین به عنوان امر خصوصی افراد بر پایه احترام و برخورد یکسان با پیروان ادیان و مذاهب.

۳. فراهم شدن شرایط بازگشت آوارگان و پناهندگان مطابق با استانداردهای انسانی و جبران خسارات مادی به آوارگان و قربانیان درگیریهای ناخواسته.

۴. تمام قوانین زن ستیز باید ملغی شود و با پیوستن کشور ایران به "کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان" ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، قانون اساسی آینده حقوق زنان با الهام از روح کنوانسیون فوق تعریف و آنها را تضمین کند.
۵. باید کارگر ایرانی بر اساس "میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۷۴" دارای حقوق تعریف و تضمین شده در قانون اساسی آینده باشد.

پ: برنامه اقتصادی

۱. توزیع عادلانه ثروت، درآمد و خدمات کشور و تعیین حداقل استانداردهای معیشتی و بهداشتی.
 ۲. جبران عقب ماندگیهای اجتماعی، اقتصادی از طریق تخصیص بودجههای اضافی به مناطق محروم و کاهش تفاوت استانداردهای شهری و روستایی.
 ۳. سازمان دموکراتیک یارسان مدل اقتصادی نوردیک (شمال اروپا) را پیشنهاد می کند. دولت رفاه، تامین اجتماعی و حقوق بازنشستگی که عمدتاً از طریق مالیات تامین میشود. مشارکت بالای زنان در زندگی کاری، درجه بالای برابری، آموزش (رایگان) دولتی از مشخصههای برجسته این مدل هستند. در این مدل مختلط اقتصادی، اقتصاد بازار آزاد و رقابتی به همراه بخش بزرگ دولتی (دولت بعنوان بزرگترین کارفرما و سهام دار در شرکتها و صنایع بزرگ) نبض حیات اقتصادی هستند.
 ۴. سیاستهای غلط و نادرست رژیم دینی در امر مدیریت جنگها، آبشارها، مراتع، زندگی حیات وحش، رودخانه و دریاچهها کشور را با چالشهای جدی زیست محیطی مواجه کرده است. مناطق محل زیست مردم یارسان بیشترین خسارات زیست محیطی متحمل شده اند.
- افزون بر این سیل، خشکسالی و ریزدگردهای مداوم به این بحران دامنهی بیشتری داده است. ما خواستار اجراء اقداماتی سازنده، علمی و اقتصادی در حوزهی محیط زیست و اکولوژی که بیش از چهار دهه است سیاست های جمهوری اسلامی در این عرصه، جز ویرانگری در طبیعت و نابودی فزاینده ثروت های طبیعی و افزایش بحران چیز دیگری نبوده، است.

ت: برنامه فرهنگی و آموزش و پرورش

۱. حق تدریس و تحصیل به زبان مادری.
۲. کشف، ثبت و حفظ آثار و ادبیات یارسانی در کنار دیگر سرمایه ها و میراثهای فرهنگی و ادبی کشور و تأسیس مراکز علمی / تحقیقی به این منظور.
۳. آموزش و تحصیلات رایگان، از دوره ابتدائی گرفته تا سطح دانشگاه.

اساسنامه

ماده ۱. نام و هویت تشکل

۱. نام تشکل "سازمان دموکراتیک یارسان" با علائم اختصاری س.د.ی و نام انگلیسی آن Yarsan Democratic Organization با علائم اختصاری YDO است.
۲. سازمان دموکراتیک یارسان سازمانی است مستقل، سکولار و با ساختار دموکراتیک.
۳. آرم سازمان متشکل از نقش تنبور و شعله خورشید است که با دو دایره سبز و قرمز و یک فضای سفید میانی احاطه شده است. در فضای بالایی آرم عنوان "سازمان دموکراتیک یارسان" و در محیط پایینی YARSAN DEMOCRATIC ORGANIZATION نوشته شده است.
۴. ۸م آوریل ۲۰۱۲ م سالروز تأسیس سازمان دموکراتیک یارسان است.

ماده ۲. عضو شدن در سازمان دموکراتیک یارسان

۱. تمامی افراد بالای ۱۸ سال که برنامه و اساسنامه مصوبه آخرین کنگره سازمان را بپذیرند و متعهد به رعایت مفاد آن بشوند، میتوانند طبق درخواست کتبی از نهاد محلی و تأیید نهایی کمیسیون تشکیلات، به عضویت سازمان درآیند.
۲. اعضاء جریانات سیاسی دیگر نمیتوانند بطور همزمان در سازمان دموکراتیک یارسان عضو باشند.
۳. حق عضویت خود را (هر ماه ۱۰ یورو. زمان پرداخت: ماو آوریل هر سال) پردازد.
۴. کسی که درخواست عضویت میکند، بمدت ۶ ماه تحت نظارت ارگان مربوطه تشکیلاتی برای رد یا تأییدی قرار می گردد.
۵. گروههای غیر سیاسی و انجمنها میتوانند با رعایت مفاد اساسنامهی سازمان و پایبندی به برنامه سیاسی آن به عضویت سازمان در آیند.

- تبصره ۱. این بند شامل عضویت در سازمانهای خارجی در کشورهای محل اقامت نمیشود.
- تبصره ۲. سازمان دموکراتیک یارسان می تواند به افرادی که دلسوز و به شکلی از حق و حقوق مردم و جامعه یارسان دفاع کند سمت "عضو افتخاری" اعطاء کند.
- تبصره ۳. عضو افتخاری در نشستهای سازمانی دارای حق رأی نمی باشد.
- تبصره ۴. بخاطر وجود فضای استبداد سیاسی و خطرات امنیتی در داخل کشور، هویت و فعالیت اعضای داخل کشور، در سازمان محرمانه خواهد ماند.

ماده ۳. وظایف اعضای سازمان

۱. تلاش برای تحقق اهداف و آرمانهای سازمان.
 ۲. پایبندی به اصول اساسنامه و نظم و قرارهای تشکیلاتی.
 ۳. تلاش برای حفظ وحدت جامعه یارسان.
 ۴. برای حفظ وحدت سازمانی تلاش کند.
 ۵. در جلسات و نشست های سازمان شرکت کند.
 ۶. در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی خود با توجه به آرمان و دیدگاهها و مصوبات سازمان بکوشد.
- تبصره ۱. متقاضیان پناهندگی و دانشجویان ۵۰٪ از حق عضو شدن سالانه را پرداخت خواهند نمود.

ماده ۴. حقوق اعضای سازمان

۱. حق شرکت و اظهار نظر در کلیه سطوح و نشستهای سازمانی ، از جمله کنگره، کنفرانس و پلنوم.
۲. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای هر مسئولیتی در سازمان در چهار چوب موازین اساسنامه ای.
۳. حق ارائه پیشنهاد و انتقاد در رابطه با هر ارگان و مسئولی.
۴. برخورداری از حقوق دموکراتیک برابر.
۵. یاران کاندید شورای مرکزی که باید حداقل ۱ سال از عضویت آنها گذشته باشد و سابقه فعالیت در یکی از ارگانهای تشکیلاتی سازمان را داشته باشند.
۶. حق برخورداری از آموزش سیاسی و تشکیلاتی.
۷. حق آزادانه کناره گیری از سازمان بعد از طی مراحل سازمانی و پایبندی به حفظ اسرار سازمان.

ماده ۵. سلب سمت عضو

۱. اعضای که مواد قید شده در ماده ۳ " وظایف اعضای سازمان " را نقض کنند طبق مقررات ذیل از آنها

سلب عضویت می شود:

- ابلاغ شفاهی
- ابلاغ کتبی
- سلب مسئولیت تشکیلاتی
- تعلیق مقطعی
- اخراج از سازمان

۲. درخواست سلب عضویت توسط ارگان مربوطه تهیه و برای تصمیم نهایی در اختیار کمیسیون تشکیلات سازمان قرار می گیرد.

۳. سازمان حق دارد که در صورت لزوم افراد خاطی را از طریق مراجع ذیصلاح مورد پی گرد قانونی قرار دهد.

۴. وظایف، اختیارات و امتیازات افراد اخراجی و مستعفی از آنان سلب میشود.

ماده ۶. ارگانهای تشکیلاتی

۱. ارگانهای اصلی تشکیلات شامل:

کنگره

شورای مرکزی و رهبری مشترک

کنفرانس

و پلنوم است.

۲. کمیته بازرسی مالی، کمیته انتخابات، کمیته تهیه و تدوین برنامه و اساسنامه، کمیسیونها و کمیتههای کشوری و شهری از دیگر ارگانهای وابسته هستند.

ماده ۷. کنگره

۱. کنگره عالی ترین ارگان سازمان است و تصمیمات آن در سطوح مختلف سازمان لازم الاجراء خواهد بود.

۲. کنگره سه سال یکبار برگزار می شود.

۳. کنگره از کسانی تشکیل میشود که:

الف: عضو یا علی البدل شورای مرکزی باشند.

ب: از طرف یکی از ارگانهای سازمان بعنوان نماینده معرفی شده باشند.

۴. شرایط ونسبت نمایندگان هر ارگان برای شرکت در کنگره توسط شورای مرکزی تعیین و ابلاغ خواهد شد.

تبصره یکم: شورای مرکزی میتواند از جریانات سیاسی، نهادهای مدنی و نمایندگان اصناف و شخصیتهای مستقل بعنوان مهمان دعوت بعمل آورد.

۵. کنگره با شرکت ۲/۳ اعضای سازمان رسمیت می یابد.

۶. پیشنهادات با کسب رای نصف +۱۱ اعضا در کنگره بتصویب می رسد.

۷. اعضای هیئت رئیسه کنگره متشکل از ۲ عضو شورای مرکزی و ۳ عضو از دیگر ارگانهای سازمان می باشد.

۷. سازماندهی، تعیین زمان و مکان برگزاری کنگره از اختیارات شورای مرکزی است.

۸. برگزاری کنگره باید حد اقل ۳ ماه قبل از آن به اطلاع اعضای سازمان رسیده باشد.

۹. اعضای سدی باید حداقل ۱ ماه قبل از برگزاری کنگره پیشنهادات ، طرح و انتقادهای خود را برای کمیته/کمیسیون آماده‌کاری کنگره فرستاده باشند.
۱۰. دستور کار کنگره باید حداقل ۲ هفته قبل از زمان برگزاری کنگره، برای اعضای کنگره فرستاده شود.

ماده ۸. کنگره فوق العاده

۱. ۳/۲ اعضای شورای مرکزی در پلنوم خود یا ۳/۲ اعضای سازمان میتوانند خواهان برگزاری کنگره فوق العاده شوند در صورتیکه شورای مرکزی نتواند مسائل حاد و کلان سازمانی (سیاسی و تشکیلاتی) را حل و فصل و در انطباق با اصول اساسنامه مدیریت کند. شورای مرکزی موظف به دادن فراخوان برای تشکیل کنگره فوق العاده خواهد شد.
۲. کنگره فوق العاده فقط جهت رسیدگی و حل و فصل موضوع یا موضوعات مربوطه و مورد بحث برگزار می شود.

ماده ۹. وظایف و اختیارات کنگره

۱. تصویب برنامه ، اساسنامه و اسناد سازمان و ایجاد تغییرات در آنها.
 ۲. تعیین و تصویب خط مشی سیاسی، خطوط استراتژیک و تاکتیکهای ضروری سازمان.
 ۳. بررسی گزارش و عملکرد شورای مرکزی.
 ۴. انتخاب شورای مرکزی و یاران علی البدل از طریق انتخابات آزاد و دموکراتیک.
 ۵. به شکایاتی که در دیگر ارگانهای تشکیلاتی حل و فصل نشده باشد رسیدگی میکند.
 ۶. صدور قطعنامه و بیانیه بنام خود.
 ۷. انتخاب هیئت بازرسی امور سازمان .
 ۸. انتخاب کمیته انتخابات برای کنگره بعدی.
 ۹. انتخاب کمیته تهیه و تدوین اسناد سازمان برای کنگره بعدی .
- تبصره:
- تمامی افرادی که نامزد شورای مرکزی میشوند باید خود را برای شرکت کنندگان در کنگره معرفی کنند.

ماده ۱۰. کنفرانس سازمان

۱. کنفرانس سازمان جهت بررسی تحولات سیاسی و مسایل مهم سازمانی بر اساس برآورد و دعوت شورای مرکزی با شرکت اعضاء و علی البدل شورای مرکزی و نمایندگان ارگانهای سازمانی تشکیل میگردد و تصمیمات آن در تمام سطوح سازمانی لازم الاجراء است.
- تبصره ۱: کسانی میتوانند در کنفرانس شرکت کنند که حداقل یکسال از عضویت آنها در سازمان گذشته باشد.

۲. ریاست کنفرانس را دو نفر از اعضای شورای مرکزی و سه نفر از نمایندگان شرکت کننده بعهده دارند.

ماده ۱۱. وظایف و اختیارات کنفرانس

۱. بررسی تحولات سیاسی و مسایل مهم سازمانی بر اساس برآورد و دعوت شورای مرکزی
۲. ارائه پیشنهادات و راهکارهای مناسب در جهت رفع مشکلات و پیشبرد اهداف سازمان و ارگانهای مربوطه.

ماده ۱۲. شورای مرکزی

۱. اعضای شورای مرکزی، توسط کنگره انتخاب می گردند و بالاترین ارگان مسئول در فاصله بین دو کنگره هستند.
۲. کسانی می توانند در انتخابات شرکت کنند که:
 - مدت یک سال از عضویت آنها گذشته باشد و اعتبارنامه آنها جهت شرکت در کنگره توسط شورای مرکزی تایید شده باشد.
 - شرایط و وظایفی را که کنگره تعیین میکند بپذیرند و به آنها عمل کنند.
۳. تعداد اعضای اصلی شورای مرکزی و علی البدل در کنگره و بر حسب نیاز تعیین می شود.
۴. جلسات شورای مرکزی هر دو ماه یکبار و جلسات فوق العاده بنا به درخواست ۲/۳ اعضای شورای مرکزی یا رهبری مشترک برگزار می شود.
۵. تصمیمات شورای مرکزی در صورت توافق نیم + ۱ از اعضای حاضر در جلسات قابل اجراء خواهد بود.
۶. مخارج کمیته مرکزی از محل بودجه سازمان تأمین می گردد.

ماده ۱۳. وظایف و اختیارات شورای مرکزی

۱. مجری برنامه و تصمیمات، سیاست و استراتژی مصوب کنگره است.
۲. سازمان را به لحاظ سیاستگذاری و سازمانی مدیریت میکند.
۳. تقسیمات کاری و مسئولیتهای درون تشکیلاتی را ایجاد، هدایت و رهبری میکند. این تقسیمات و مسئولیتهای عبارتند از:
 - . رهبری مشترک از بین اعضای شورای مرکزی.
 - . کمیسیون تشکیلات
 - . کمیسیون روابط سیاسی و دیپلماسی و روابط بین الملل
 - . کمیسیون مالی
 - . کمیسیون انتشارات و آگاهی

۱. کمیسیون زنان

۲. کمیسیون جوانان

۳. کمیسیون آموزش

۴. دبیرخانه

۵. کمیته‌های کشوری/محلی و دفاتر نمایندگی خارج از ایران

۶. ایجاد نهادها و تقسیمات کاری بر اساس نیاز.

۷. بررسی بودجه سازمانی و طرق تهیه آن جهت ارائه به کنگره.

۸. رسیدگی به شکایات و انتقادات اعضاء و بررسی آنها .

۹. شورای مرکزی و رهبری مشترک برای پیشبرد کارهایشان میتوانند از مشاور استفاده کنند. مشاور باید متعهد به

حفظ اسرار سازمان و برای پیشرفت و موفقیت بهتر سدی از طریق مشاوره تلاش کند. مشاور نباید حتما عضو

تشکیلاتی سدی باشد. ارگان مربوطه وظایف و مسئولیتهای مشاور را در آیین نامه داخلی تعیین می کند.

۱۰. حق عزل و جایگزینی رهبری مشترک.

۱۱. برگزاری پلنوم

۱۲. تشکیل ایجاد شورای مشاوران سازمان

ماده ۱۴. پلنوم

۱. نشست وسیع شورای مرکزی هر شش ماه یک بار بنا به درخواست رهبری مشترک و یا اکثریت اعضای شورای مرکزی برگزار میگردد.

۲. شورای مرکزی افراد عضو تقسیمات/ارگانهای سازمانی را بجهت مشاوره و تبادل نظر به پلنوم دعوت کند.

۳. پلنوم با شرکت دو سوم اعضای اصلی شورای مرکزی رسمیت میابد.

۴. اعضای علی البدل و مشاورین در پلنوم دارای رأی مشورتی هستند.

۵. وجود آجندا/دستور کار و گزارشات از ضروریات برگزاری پلنوم است .

ماده ۱۵. وظایف و اختیارات پلنوم

۱. بررسی گزارشات و پیشنهادات از طرف رهبری مشترک و شورای مرکزی.

۲. بازنگری تقسیمات/ارگانها و مسئولیتهای سازمانی.

ماده ۱۶. رهبری مشترک

۱. بالاترین ارگان رهبری سازمان در فاصله بین دو نشست شورای مرکزی است.

۲. بطور مداوم فعالیت دارد.

ماده ۱۷. وظایف و اختیارات رهبری مشترک

۱. از طرف شورای مرکزی انتخاب و تعیین میشود .
۲. رهبری مشترک مسئول پیشبرد و اجراء تصمیمات شورای مرکزی است .
۳. گزارش کار خود را به شورای مرکزی و پلنوم ارائه میدهد.
۴. مسئول اداره امور سازمان در کلیه ابعاد آن است و سرپرستی ارگانهای اجرایی سازمان را بعهده دارد.
۵. مسئولین ارگانهای اصلی سازمان از جمله مسئول تشکیلات، روابط خارجی، مالی ، انتشارات را انتخاب و جهت تأیید به شورای مرکزی معرفی میکند.
۶. اعضای رهبری مشترک در کمیسیون های سازمان حق تصدی مسئولیت ندارند.
۷. رهبری مشترک نباید بیشتر از ۲ یار سازمان باشد.
۸. سازمان را در رابطه با جریانهای سیاسی دیگر نمایندگی میکند.

ماده ۱۸. واحدهای محلی، شهرستانی و کشوری

۱. این واحدهای جزو تشکلهای/ارگانهای سازمان هستند که کمیته های آنان از طریق کنفرانسهای این مناطق انتخاب میشوند.
۲. کنفرانسهای این واحدها هر دو سال یکبار توسط اعضاء و یا نمایندگان آنها برگزار میشود.
۳. در صورت لزوم رهبری مشترک میتواند در محلی اقدام به تشکیل واحدهای صنفی بنماید.
۴. شورای رهبری مشترک میتواند طبق صلاحدید خود و با مشورت شورای مرکزی واحدهایی را در هم تلفیق نماید.

ماده ۱۹. کمیته بازرسی

۱. کمیته بازرسی مرکب از ۳ نفر است ، که توسط کنگره انتخاب می گردند.
۲. کمیته بازرسی نظارت مستمر بر امور سازمانی را دارد.
۴. کمیته بازرسی نتایج کار خود را به شورای مرکزی، کنفرانس سالانه و کنگره گزارش می کند.
۵. کمیته بازرسی میتواند از افراد متخصص بعنوان همکاران دائم یا موقت یاری بگیرد.
۶. کمیته بازرسی در هماهنگی با دیگر بخشهای سازمان و تحت نظارت شورای مرکزی عمل می کند.

ماده ۲۰. کمیته تهیه و تدوین برنامه و اساسنامه و دیگر اسناد سازمان

۱. این کمیته توسط کنگره انتخاب میگردد و وظیفه آن بازبینی برنامه و اساسنامه و دیگر اسناد سازمان جهت ارائه به کنگره است.

۲. گزارش کار این کمیته توسط شورای مرکزی دریافت و جهت تصویب به کنگره ارائه میشود.

۳. این کمیته میتواند از افراد متخصص جهت تسهیل کار خود یاری بگیرد.

ماده ۲۱. کمیته انتخابات

۱. کمیته انتخابات مرکب از سه نفر است که توسط کنگره انتخاب می گردد.

۲. کمیته انتخابات افراد واجد شرایط را برای کاندیدای شورای مرکزی به کنگره پیشنهاد می کند.

۳، این کمیته نتیجه کار خود را به رهبری مشترک و شورای مرکزی ارائه میدهد.

۳. پروسه انتخابات را در طی برگزاری کنگره مدیریت می کند.

تبصره ۱ این کمیته موظف است که تمهیدات ویژه ای را در جهت حضور زنان و جوانان بمنظور شرکت در انتخابات ارگانهای رهبری بعمل آورد

ماده ۲۲. شورای مشاوران سازمان دمکراتیک یارسان

۱. سازمان دمکراتیک یارسان از افراد، آگاه، خوشنام و دارای موقعیتهای متفاوت برای پیشبرد کار خود بعنوان مشاور بهره می گیرد.

۲. تشکیل شورا مشاوران از وظایف شورای مرکزی است.

ماده ۲۳. امور مالی

۱. احتیاجات مالی سازمان از طریق پرداخت حق عضویت اعضا و کمک نهادهای خیریه و کمکهای مردمی تأمین میگردد.

۲. مسئولیت کلی هزینه ها و دارائیهای سازمان بعهده رهبری مشترک است که توسط کمیسیون مالی مدیریت میشود.

ماده ۲۴. انحلال سازمان

۱. انحلال سازمان دمکراتیک یارسان در صورت توافق ۲/۳ اعضای سازمان عملی می گردد و همان مجمع در مورد امور مالی و دارایی سازمان تصمیمات لازم را اتخاذ می نماید.

ماده ۲۵. انتخاب شعار سازمان دمکراتیک یارسان

" آزادی، یکسانی، آرمان یارسانی " بعنوان شعار سازمان انتخاب گردید.

ماده ۲۶. تصویب و اجراء

سازمان دمکراتیک یارسان با نام اختصاری سدی در تاریخ ۲۹ و ۳۰ ماه مارس ۲۰۲۴ در طی برگزاری کنگره ۶ م - کنگره " زن زندگی آزادی" در شهر استکهلم پایتخت سوئد برنامه و اساسنامه خود را به تصویب کنگره رسانید و مفاد برنامه و اساسنامه آن از تاریخ مذکور لازم به اجراء گردید.



پایان